

عظمت و شکوه علم از دیدگاه

قرآن

● خداوند متعال،

علم و دانش را علت کلی و اساسی

آفرینش همه پدیده‌های هستی

معرفی کرده است

خداوند متعال، علم و دانش را علت کلی و اساسی آفرینش همه پدیده‌های هستی - اعم از آسمان و زمین - معرفی کرده است و همین نکته برای نشان دادن عظمت و ارزش علم، بهترین دلیل گویا و قاطع ترین گواه می‌باشد. وقتی خداوند متعال می‌خواهد چشم بصیرت انسان را در برابر این نکته و حقیقت باز کند و دل‌های خردمندان را در مقابل این واقعیت، آگاه و بیدار سازد لذا در کتاب آسمانی خود می‌فرماید: "خدائی که هفت آسمان را آفرید و زمین را همسان با آن خلق کرد تا فرمانش میان این دو پدیده، شگرف فرود آید" هدف این است که از علم و بصیرت برخوردار گردید، بصیرتی که شما را به قدرت و توانائی همه‌گیر و گسترده خداوند رهنمون باشد. (سوره طلاق - آیه ۱۲)

برای روشن شدن مسئله، فضیلت علم - بویژه علم به توحید و یگانگی خدا - همین آیه کفایت می‌کند.

آنگاه که پروردگار جهان، آدم را آفرید و او را از بوته عدم رهائی بخشید و لباس هستی بر قامت وی پوشاند، بر او منت گذارد که وجود او را با زیور علم آراست. لذا در اولین سوره‌ای که بر پیامبرش محمد (ص) فرو فرستاد ارزش نعمت علم و دانش را بازگو فرموده و بر تمام افراد بشر چنین منت گزاشته که در میان همه پدیده‌های هستی، وجود آنان را با علم و دانش مشخص و ممتاز ساخته است، آنجا که می‌فرماید: "اقرا، باسم ربک الدی خلق، خلق الانسان من علق، اقرا، وربک الاکرم، الدی علم بالقلم" (سوره علق - آیه‌های ۴ - ۱)

یعنی "ای پیامبر، بنام پروردگارت خواندن را آغاز کن، پروردگاری که آفریننده است، انسان را از خون بسته و لخته شده آفرید، بخوان ای پیامبر و خدای تو کرامتش نامحدود است از آنجهت که با قلم، بشریت را با علم و دانش آشنا و مانوس ساخت."

این کتاب الهی، نخست با سخن از نعمت ایجاد عالم و آدم، آغاز گردیده و سپس نعمت علم و بینش را بلافاصله به گوش هوش انسان می‌خواند. کمترین وقت و تأمل در این آیات، انسان را وامیدارد که چنین بیندیشد: اگر در این موقف و جایگاه - پس از نعمت ایجاد - نعمتی و الاثر از علم وجود می‌داشت، خداوند،

علم و دانش شریفترین حالات ارج آفرین انسان می باشد

انسان را بویژه با چنین نعمتی ممتاز نمی ساخت (وبلا - فاصله از نعمتهای دیگر یاد میکرد) .

با توجه به نظم و ترتیب آیات فوق پی میبریم که: اولاً خداوند در این آیات از نخستین مرحله و حالات انسان در دوران جنینی یاد میکند که او بصورت خون لخته شده و یا همچون زالو به جدار رحم مادر چسبیده و از چنین مرحلهای پست و نفرت انگیز، حیات و زندگانی خود را آغاز میکند و همین موجود غیرقابل توجه، چنان تکامل می یابد که در اوج همه پدیده های هستی از نظر کمالات قرار میگیرد. یعنی انسانی که در چنین وضعیتی پست قرار دارد آنگونه وارد عرصه حیات گردید و چنان اوج میگیرد که بصورت یک انسان عالم و آگاه به والاترین مراحل حیات دست می یابد.

این سخن برایین اساس استوار است که علم و دانش شریفترین حالات ارج آفرین انسان می باشد. زیرا اگر - جز علم - جهات و حیثیات دیگری معیار برتری انسان بشمار میرفت و این حیثیات از لحاظ اهمیت در درجه

اول قرار میداشت، چنین شایسته بنظر میرسید که خداوند در این مورد - بلافاصله پس از گفتار درباره آفرینش عالم و آدم از این حالات و حیثیات، سخن بمیان می آورد. و ثانیاً این چنین ترتیب آیات، علت اکرامیت خدا را برای ما روشن میکند که آن عبارت از تعلیم و اعطاء علم به انسان می باشد و صفاً به ما هشدار میدهد که نعمت علم و دانش نمایانگر والاترین کرامت الهی نسبت به بشر می باشد.

خلاصه ای که در بالا بدان اشارت شد شامل پاره ای از آگاهیهای است که نمایانگر فضیلت دانش از دیدگاه قرآن میباشد و بدانوسیله خداوند شخصیت انسان را ارج نهاده و امتیاز برجستگی ویژه ای برای آن قائل شده است. و انشاء الله در شماره های آتی به شرف و فضیلت علم و دانش از دیدگاه پیامبر اکرم (ص) و ائمه معصومین علیه السلام خواهیم پرداخت باشد که با تفکرو نشانه های بیش از پیش به ارزشهای والای انسانی در مکتب انسان ساز اسلام پی ببریم.

سرمقاله

فواص حقه اسلام و ما نگه بر ولایت فقه معنویان باسکوی اداره کلیه اجتماعات بشری موندند اینراست بگوئیم نظام پزشکی این کشور بی باست روزی ارائه دهند. روش پزشکی در ایسی نهاد چنان باشد.

منظور کلی نظام پزشکی یا روش پزشکی شامل مسایل درمانی به بهایی معنویان باشد. بلکه دارای به عدالتاً متعین است. اصول فقهی پزشکی اصول اخلاقی پزشکی و مسایل بهداشتی درمانی پزشکی که هیچ یک از این سه از هم مجزا نیست و معنویان پزشکی را احاطه به یک بعد از ابعاد مبرور بود اگر تاریخ پزشکی را وری برسم از زمان امپرسیون اول ما بفراتر و از آن زمان تاکنون این سه بعد مسایل پزشکی مطرح بوده است. منبها در آن زمانهای مذم همطور که در مسایل بهداشتی درمانی اختراعات پزشکی داشته اند و تصور به صحیح بودن آن مسوده اند در ابعاد دیگر هم تحلیلهای متفاوتی بدون آنکه پایه و اساس محکمی داشته باشند مسوده اند منظور مثال در تمامه روابط که بسیار مشهور است در پزشکی سوگند سبوعرد که پزشکی را فقط به برزیدن خود و انسان خود آموزش دهد و انتالهم. ولی پس از حیات شرفیت از دوره جاهلیت و درختش آفتاب اسلام در جهان انسانیت برسانی و می احکام متعین و فطری اعلام گردید و اصول اخلاقی معنوی شد که پزشکی و پزشک مسئولیت محضی از این احکام و این اصول روش دیگری را معنویان بلکه شخص خاص دارد انتخاب نمایند. سایر این از همان زمان باشند پزشکی که این هن را معنویان

وسيله طغی میکردند و مسلمان مومن بودند در کتب خود مواردی را معنویان و عدل متنی والگو معنوی بودند ولی همانطور که تاکنون مامون انسانی ملکت داری که بر اساس احکام شرعی نوشته شده باشد ندوس گردیده بود و این اولین باری است که فواصی مدس نحو در تاریخ تهیه و نگاشته شده است تا بحال هم نظام پزشکی که بر اساس احکام حقه شرعی تدوس گردیده باشد و در دو بعد دفعه پزشکی و اخلاق پزشکی با توجه به اصول بهداشتی درمانی باسکو باشد فراهم شده و لازمست هر چه بر مبر در جهت تعمیم اخلاق فرهنگی چنین اقدام مؤثری انجام شود.

لذا اینک که سیر ملتی پس از بحثهای متعدد و کشمکشهای مختلف استحضات نظام پزشکی بر اساس همان فواص گذشته انجام شده و اصطلاح بگوئیم اینرا حصر این استحضات رفع گردیده لازمست هر چه سریعتر به مدهای از حیرگی پزشکی و اسلام تسایان متعدد ماموریت داده شود که در اسرع وقت در جهت تعمیم اخلاق فرهنگی و اصول فقهی و اخلاقی اسلام در جامعه پزشکی و سیر کوشش نظام پزشکی (مسئور سازمان خصوصی نیست بلکه حمیه عالی آن مطرح است) فواصی کامل و مانمی تهیه و جهت تصویب مجلس شورای اسلامی ارائه نماید و در پی آن سازمانی مامور شود که حامد و نگهدارنده اصول و فواص مبرور باشد. سپس بر اساس اساسنامه آن سازمان استحضات متعددی انجام و هر چه سریعتر اقدامات لازم را در مورد سرو سامان دادن به مسایل پزشکی کشور اعم از مسایل بهداشتی درمانی، دفعه پزشکی و اخلاق پزشکی انجام دهند. انشاء الله